

آزادی، خواسته ابدی

یادداشت مهندس محمد توسلی در روزنامه اعتماد ۸۵/۱۰/۲۸

آزادی، خواسته ابدی، عنوان سخنرانی شادروان مهندس مهدی بازرگان در برنامه بیست و دومین سالگرد نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۶۲ است که در کتاب بازیابی ارزشها در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است. امروز بعد از ۲۳ سال در دوازدهمین سالگرد درگذشت آن زنده‌یاد بیش از پیش این اندیشه مورد توجه نخبگان و فعالان سیاسی جامعه مدنی کشور ما قرار گرفته است.

ابعاد گوناگون شخصیت، اندیشه و خدمات علمی، اجتماعی و سیاسی مهندس بازرگان در دهه گذشته مورد بحث و بررسی و نقد صاحب‌نظران بوده و هست. یکی از خصوصیات برجسته آن زنده‌یاد انسجام و تداوم اندیشه نفی استبداد و آزادیخواهی در طول ۶۰ سال حیات فکری و سیاسی آن مرحوم است. رمز این انسجام فکری، همانگونه که مهندس بازرگان خود در آثار خویش از جمله در مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ بیان داشته‌اند، بر سه پایه: آشنایی با قرآن، آشنایی با تاریخ و خصوصیات مردم ایران و همچنین آشنایی با جوهر تمدن کشورهای توسعه یافته قرار دارد. از اینرو به‌رغم گفتمان‌های غالب علیه اندیشه وی در مقاطع مختلف این دوره، مهندس بازرگان تحت تأثیر آنها قرار نگرفته و همواره با ایمان و آگاهی بر این اندیشه پای فشرده است. در دوران سلطه فرهنگ مارکسیسم بر ادبیات سیاسی ایران قبل از انقلاب و همچنین در سالهای بعد از انقلاب مهندس بازرگان شماتت معارضان و حتی گاهی دوستان نزدیک خود را تحمل کرد، اما هیچگاه تسلیم نشد و انسجام اندیشه سیاسی خویش را مخدوش نکرد. در آموزه‌های قرآنی این مشخصه از ویژگی خاص مؤمنان راستین و اهل تقوی است که صاحب «قول سدید» هستند.

مهندس بازرگان در طول عمر پربرکت خود این اندیشه را در عرصه نظری در بسیار از آثار خویش و در عرصه اجتماعی با تأسیس نهادهای مدنی با جدیت پیگیری کرده است.

به‌عنوان نمونه در عرصه نظری به مدافعات آن مرحوم در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ با عنوان، **چرا با استبداد مخالفیم**، مقالات چهارجلد بازیابی ارزشها و آخرین سخنرانی آن زنده یاد با عنوان «بعثت و آزادی» در انجمن اسلامی مهندسين می‌توان اشاره داشت. در عرصه جامعه مدنی نیز می‌توان به تأسیس و همکاری با انجمن‌های اسلامی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰، نهضت مقاومت ملی در دهه ۳۰ و نهضت آزادی ایران در دهه ۴۰ و همچنین جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر در سال ۱۳۵۶ و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت در سال ۱۳۶۴ نام برد. نقش کلیدی و مؤثر آن زنده‌یاد در جریان تأسیس، همکاری و مدیریت این نهادهای جامعه مدنی ایران بخشی از تاریخ چند دهه معاصر ایران را تشکیل می‌دهد که سوابق آن در حد مقدور در اسناد مکتوب و رایانه‌ای در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

آنچه در این یادداشت به اختصار به آن می‌پردازم مبانی اندیشه سیاسی شادروان مهندس بازرگان، به‌طور مشخص درخصوص آزادی، حاکمیت ملی (دموکراسی) و حقوق و کرامت انسان (حقوق بشر) و پیش از آن نفی استبداد، خودکامگی و اقتدارگرایی است.

درباره مفهوم آزادی از انقلاب مشروطیت تاکنون مخالفان این اندیشه تعریض‌ها و نقدهای فراوانی داشته‌اند. برای پاسخ به مخالفان بازرگان می‌گویند:

« اصلاً معنی و منظور از آزادی در ذهن واضعین و مدافعین اولیه، که به خاطر آن فداکاریها و قربانیهای فراوان داده و جنگ و جدال کرده‌اند و در آیین ما که طرفدار آن هستیم، آزادی برای هوی و هوس یا طغیان و تعدی نبود. منظور از آزاد شدن از اسارت هوسبازان و طاغیان و متعدیان است. بیرون آوردن مردم از عبودیت و حاکمیت سلاطین به حاکمیت قانون، حال اگر عیبی و ایرادی در آنها باشد به قوانین موضوعه است نه به آزادی»

و سپس مبانی ایجابی آن را چنین معرفی می‌کنند: « آن آزادی که نهضت آزادی ایران به نام آن و به‌خاطر آن تأسیس شده تقلید از مغرب‌زمین نبود بلکه تبعیت از اسلام و قرآن بود ... در اعلامیه یا افتتاحیه تأسیس نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ گفته بودیم:

« اقتضای اطاعت از خدا مبارزه با بندگی غیر اوست و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای بکار بستن آن از طریق حق و عدالت و خدمت است. ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل شویم.»

و سپس شادروان مهندس بازرگان مطالبات مردم و خود را در این زمینه اینچنین توصیف می‌کنند: « ما آزادی بیان، اجازه اجتماع و دخالت معقول قانونی در امور کشور را به عنوان حقی الهی و مقدمه‌ای برای انجام وظیفه دینی، از دولت‌ها مطالبه می‌نمائیم و برای پاک کردن و پاک بودن جامعه است که اصرار داریم آزادی باشد تا هر صاحب‌نظر و هر شاکی و ناراضی و ضعیف، یا مدافعین آنها، بتوانند بدون دغدغه خاطر، حرف خود را بگویند و حق خود را بخواهند.»

مهندس بازرگان و یاران او در طول چنددهه گذشته بخش عمده‌ای از تلاش و تکاپوی خویش را متوجه استبداد - به هر صورت و به هر نام - نموده‌اند. زیرا آزادیخواهی و استبدادزدائی را دو روی یک سکه می‌دانند.

در غیاب آزادی چیزی جز استبداد، دیکتاتوری یا اختناق و اسارت و هلاکت نخواهد بود. براین پایه مهندس بازرگان می‌گفت: « گرفتن آزادی از انسان بزرگترین خیانت به سرنوشت او و اهانت به مقام و حیثیت انسان بوده و آدمیزاد را به حیوانیت و بردگی سوق می‌دهد.»

اگرچه مهندس بازرگان و یاران او به استبداد و مظاهر آن توجه بیشتر داشته و مبارزه با آنرا در سطح بالا و مقدم به مبارزه با استعمار یا استیلای خارجی می‌دانند اما همواره استبداد و استیلا را دو دشمن آزادی و حاکمیت ملی می‌دانند زیرا با تأمین آزادی و حاکمیت ملی (دموکراسی) است که شکست آن دو حاصل می‌شود.

حافظ و ضامن آزادی چیزی جز خود مردم یا حاکمیت ملی از طریق انتخابات آزاد و مراقبت مستمر مردم یا انجام فریضه قرآنی امریه معروف و نهی‌ازمنکر نمی‌تواند باشد و درغیراینصورت همانگونه که مولای متقیان در نهج‌البلاغه فرموده‌اند اشرار بر جامعه مسلط خواهند شد و دعاها مستجاب و خواسته‌ها برآورده نمی‌شود.

براساس این اندیشه آزادی و دموکراسی فرایندی است که مردم باید در طی آن بتدریج با تقویت نهادهای مدنی از جمله احزاب آن را بیاموزند و رفتار فردی و اجتماعی خود را اصلاح کنند. به نظر می‌رسد گفتمان غالب در جامعه امروز ما به‌رغم وجود طیف دیدگاههای اجتماعی همین اندیشه سیاسی شادروان مهندس بازرگان یعنی آزادیخواهی، و استقرار حاکمیت ملی است تا تحقق عدالت و تأمین استقلال کشور امکان‌پذیر گردد. روحش شاد و راهش پررهرو باد.